



نکته‌ها

دستور تخلیه - جلب ثالث - الغاء عملیات اجرایی

وعده داده بودیم حتی‌الامکان در فضای اختصاص داده شده به سردبیر در هر شماره از لایه‌لای قضایوت‌های همکاران، خلاصه نکاتی را یادآور شویم که مطالعه آن در نوع رسیدگی‌ها و استنتاجات نهایی، حسب مورد موثر واقع شود. در این شماره نیز متعرض ۳ نکته شده‌ایم که با هم مرور می‌کنیم.

۱- دستور تخلیه

دستور تخلیه موضوع ماده ۳ قانون روابط موجر و مستاجر سال ۷۶ رای محسوب نمی‌شود و اگر دادگاهی مبادرت به این دستور نماید در صورت احراز اشتباه و عدم احراز رابطه استیجاری یا عدم احراز مالکیت موجر راسا می‌توان آن را بدون نیاز به رسیدگی جداگانه الغاء و کان لم یکن نامید لذا در این موارد درخواست خواهان مبنی بر صدور ابطال دستور تخلیه فاقد وجهت قانونی است. مرجع صادرکننده دستور قادر است دستور خود را ابطال کند این درخواست بدون تقدیم دادخواست نیز عملی و ممکن است و فاقد خصیصه‌ای است که طی دادخواست جداگانه‌ای اقامه گردد. مفاد ماده ۵ قانون روابط موجر و مستاجر نیز مفید همین معنی است بکارگیری عبارت شکایت در آن، رسیدگی خارج از چارچوب مقررات آیین دادرسی مدنی را نشان می‌دهد.

۲- جلب ثالث

مطابق ماده ۱۴۵ ق.آ.د در امور مدنی هر یک از اصحاب دعوا که جلب شخص ثالثی را لازم بداند می‌تواند تا پایان جلسه اول دادرسی جهات و دلایل

خود را اظهار کند و ظرف ۱۰ روز پس از جلسه با تقدیم دادخواست از دادگاه درخواست جلب او را نماید و ایضا مطابق ماده ۳۹ قانون اشعاری شخصی که جلب می‌شود خوانده همان دعوا محسوب می‌گردد و تمام مقررات درباره او جاری است لهذا نمی‌توان خواسته دیگری را در دادخواست جلب ثالث مطرح نمود.

۳- الغاء عملیات اجرایی

۱-۳ توقیف عملیات اجرایی جز در موارد منصوص در قوانین - از جمله مواردی که در مبحث اعتراض ثالث و فرجام‌خواهی پیش‌بینی شده - فاقد وجهت قانونی است.

۲-۳ الغاء اجرائیه جز با الغاء احکام صادره موضوع اجرائیه ممکن و قانونی نیست.

۳-۳ اعاده وضعیت به حالت قبل از اجراء موضوع ماده ۳۹ قانون اجرای احکام نیاز به طرح دعوی و اقامه دادخواست ندارد چنانچه احکامی که اجرائیه بر مبنای آن صادر گردیده ملغی اعلام گردد دایره اجراء مکلف است به دستور اجراکننده وضعیت را به حالت قبل از اجرا برگرداند.